آموزش شاگردان برای آموزش
جلسه ۲۲: شاگردی رابطه ای است (۱۰ب)

ارائه شده توسط ران لایولی، M.Div., M.A. – BiblicalMentoring.org (مطالعات)

مرحله ۱: دعای آغازین

مرحله ۲: هر فرد آیه خاطره را نقل می کند: بیت: **زکریا ۸:۱۶-۱۷**

۱۶ این ها کارهایی است که باید انجام دهید: حقیقت را به یکدیگر بگویید؛
در دروازه های خود داوری های درست و صلح را صادر کنید؛
۱۷ در دل های خود علیه یکدیگر شر نسازید،
و قسم دروغین را دوست نداشته باش، زیرا از همه این چیزها متنفرم، خداوند اعلام می کند.»

مرحله ۳: *تمام یا بخشی از فصل کتاب مقدس را بخوانید و بحث کنید* - **زکریا ۸**
لینک: **https://www.biblegateway.com/passage/?search=Zechariah%208&version=ESV**

مرحله ۴: سوالات برای درخواست های شخصی و/یا بحث های گروهی:

1. پس از پوشش «گرما»، فیلیپس چهار ویژگی دیگر رابطه سالم با شاگرد را پوشش می دهد: وفاداری، انصاف، بلوغ و در دسترس بودن.
2. وفاداری: نویسنده می گوید وفاداری تعهدی مداوم به شخص دیگر است و شاگرد شما (کارآموز) هرگز نباید وفاداری شما را زیر سؤال ببرد.
3. عدالت: انصاف یعنی دیدن هر فرد به عنوان فردی که از سوی خدا با تفاوت ها و با هدفی برای داشتن شخصیتی شبیه مسیح است، به ویژه با استعداد منحصر به فرد.
4. بلوغ: او می گوید بلوغ، راه رفتن پیوسته و وفادارانه با خدا برای هر دوی شماست.
5. در دسترس بودن: در دسترس بودن برای شاگرد خود بسیار مهم است. فیلیپس می گوید وقتی فرمان خدا را برای پیروی از او اطاعت کردید، تمام زمان شما زمان خدا شد تا به هر نحوی که بهترین احترام را به او می گذارد، استفاده شود.

مرحله ۵: *محتوای کتاب را بخوانید و بحث کنید:*
فصل ۱۰ب طبق گفته نویسنده – کیت فیلیپس:

وفاداری

وفاداری تعهدی مستمر به شخص دیگر است. یعنی ایستادن در کنار او در سختی ها و آسانی. کمتر چیزی رابطه را محکم می کند مانند گذراندن بحران با هم. «اگر کسی را دوست داشته باشی، به هر قیمتی به او وفادار خواهی ماند.» همیشه به او ایمان خواهی داشت، همیشه بهترین ها را از او انتظار داری و همیشه در دفاع از او ایستادگی خواهی کرد» (اول قرنتیان ۱۳:۷ LB). شاگرد شما هرگز نباید وفاداری شما را زیر سؤال ببرد. اگر به شما خیانت کرد، هرگز بی اعتمادی به او نشان ندهید یا اشاره نکنید که می خواهید رابطه را رها کنید. ناامیدی های خود را فقط با رهبرانتان در میان بگذارید که می توانند به شما در ساختن او کمک کنند. افسسیان ۴:۲۹ می گوید: «هیچ کلمه ناسالمی از دهانتان بیرون نیاید، بلکه فقط کلمه ای که برای تربیت بر اساس نیاز لحظه مفید باشد....» زمان هایی بوده که صادقانه به مردم ایمان داشته ام و از آن ها دفاع کرده ام و بعدا فهمیده ام که اشتباه کرده ام. اما هرگز از وفاداری پشیمان نشده ام. مرده احساس نمی کند مورد سوءاستفاده یا سوءاستفاده قرار گرفته است. او چیزی برای از دست دادن ندارد که وفادار به شاگردانش باشد.

انصاف

انصاف ایجاب می کند که بی طرف باشید. «زیرا هیچ جانبداری با خدا نیست» (رومیان ۲:۱۱) و نباید با قوم او باشد (یعقوب ۲:۱). شاگرد شما باید بداند که شما منصف هستید. من این امتیاز را دارم که در نه نفر سرمایه گذاری کنم که وزارت های درون شهری ما را در سراسر آمریکا هدایت می کنند. آن ها پیشینه های متنوع، ظرفیت های فکری متنوع، شخصیت های منحصر به فرد و توانایی های متفاوت دارند. من با جدیت تلاش می کنم هر مدیر را همان طور که هست بپذیرم و استعدادها و مهارت های ویژه اش را پرورش دهم. از خدا خواستم به من کمک کند تا هرگونه تمایل شخصیتی که ممکن است مانع استفاده من شود غلبه کنم و مرا از انگیزه دادن به یک شاگرد با مقایسه رشد او با دیگری محافظت کند. تنها استاندارد یکنواختی که همه ما به آن می پردازیم، شخصیتی شبیه مسیح است. درخواست یا حتی امید به برابری در فهم کتاب مقدس، حفظ کتاب مقدس یا انجام خدمت ناعادلانه است. هر فرد مخلوق بی

نظیر خدا است و باید مطابق با او رفتار شود. اگر بخواهید شاگرد خود را با برنامه ای انعطاف ناپذیر و از پیش تعیین شده هدایت کنید، فاجعه بار خواهد بود. اگر بخواهید او را در قالبی خاص و مطلوب جا دهید، ناامید خواهید شد. انصاف ایجاب می کند که به یگانگی او احترام بگذارید و از تنوع بدن مسیح لذت ببرید. اگر شاگرد شما عضو دیگری در بدن را به اشتباه متهم کرد، نشان دهید که به هر فرد وفادار و منصف هستید. تا زمانی که با هر دوی آن ها صحبت نکرده اید، ترجیحا با هم، موافق یا مخالف نباشید. "... یک پاسخ سریع می تواند همه چیز را خراب کند» (امثال ۱۳:۳ LB). به هر دیدگاه گوش دهید. دعا کنید. سپس پاسخ را در کلام خدا و از طریق رهبران خود جستجو کنید. به شاگرد خود کمک کنید تا دوباره بر هدف و اهدافش تمرکز کند. او را آموزش دهید که طلب بخشش کند و ببخشد. با هم تعهد خود را به وحدت در بدن برای جلال خدا تأیید کنید. اگر شاگردت بداند که این سیاست توست، از زکریا ۸:۱۶ (LB) اطاعت خواهد کرد: «... حقیقت را بگو. عادل باش. با همه در صلح زندگی کن.»

سررسید

بلوغ، راه رفتن پیوسته و وفادارانه با خدا است. عیسی ادعا کرد: «... من همیشه کارهایی را انجام می دهم که برای او خوشایند است» (یوحنا ۸:۲۹). پولس گفت: «شما شاهد هستید و خدا نیز شاهد است که چگونه با شما مؤمنان با دینداراننه، درستکاری و بی عیب رفتار کردیم» (اول تسالونیکیان ۲:۱۰). از آنجا که شما به دنبال ایجاد کمال در هر زمینه ای از زندگی شاگردتان هستید، باید به طور مداوم بالغ باشید. او از طریق الگوی شما خدمتکاری، حساسیت و نگرش درست نسبت به مسئولیت را خواهد آموخت. او رفتار شما را تقلید خواهد کرد و به بلوغ شما احترام خواهد گذاشت. عکس آن نیز صادق است. شاگرد شما نظارت خواهد کرد که آیا آنچه را که آموزش می دهید زندگی می کنید یا نه. او شما را زیر نظر خواهد داشت حتی وقتی از آن آگاه نیستید. یک نظر طعنه آمیز، شوخی مشکوک، فقدان اعتماد به رهبران یا حسادت مشاهده و بازتولید خواهد شد. بلوغ هرگز مانع شکل گیری رابطه شاگردی نمی شود. وقتی مارج تازه وارد تیم ما شده بود، آن قدر مشتاق بود که با برخی نوجوانان دوستی نزدیک برقرار کند و تقریبا همه کارهایی که آن ها انجام می دادند را انجام می داد. شور و اشتیاق او قابل تحسین بود و دخترها او را دوست داشته بودند. اما طی چند ماه، متوجه شدیم هر وقت هر یک از نوجوانان مشکل جدی داشتند یا برای تصمیم مهمی راهنمایی می خواستند، به جای مارج، با مدیر زنان ما صحبت می کردند. مارج فقط «یکی از دخترها» شده بود و احترام آن ها را نداشت. نابالغی بهایی بسیار سنگین برای پذیرش است.

دسترس پذیری

شاگرد شما اولویت اصلی شما در بدن است، مگر اینکه متأهل باشید. اگر ازدواج کرده باشید، او تنها پس از خانواده تان در جایگاه دوم قرار دارد. اگرچه پولس در تروآس دری باز برای موعظه انجیل یافت، اما برای یافتن تیتوس (دوم قرنتیان ۲:۱۲،۱۳) رفت. تیتوس برای پولس از کل شهر تروآس مهم تر بود. باید اراده ای سرسخت داشته باشید که شاگردتان را در اولویت خود نگه دارید. شما و شاگردتان برای داشتن رابطه ای با کیفیت به حداکثر دسترسی به یکدیگر نیاز دارید. اگر در شناختن یکدیگر مشکل دارید یا شاگردتان ناامن است، ممکن است بیش از سه ساعت جلسات رسمی هفتگی نیاز داشته باشید. در حالی که یک جلسه باید برای آموزش، مطالعه کتاب مقدس و پاسخگویی رزرو شود، زمان های اضافی ممکن است برای هم نشینی، اشتراک گذاری و انجام کارها با هم در نظر گرفته شود. آماده باشید تا در شاگردتان سرمایه گذاری و به چالش کشیدن او را انجام دهید حتی اگر سوالات زیاد یا تمایل شدیدش به یادگیری زمان زیادی بطلبد. شور و اشتیاق او را سرکوب نکنید. در زمان سازگاری یا بحران به ویژه حساس باشید. اگر با اعتیادهایی مانند افکار ناپاک یا «انجام دادن» به جای «بودن» دست و پنجه نرم می کند، روز و شب به او کمک کنید.

وقتی فرمان مسیح را برای پیروی از او اجرا کردید، حق خود را برای تعیین برنامه ریزی خود واگذار کردید. "... تو فرزند خودت نیستی. زیرا تو با قیمتی خریداری شده ای...» (اول قرنتیان ۶:۱۹،۲۰). تمام وقت تو زمان خدا شد تا به هر شکلی که بهترین احترام را به او می رساند، صرف شود. اگر برای شاگردت وقتی به تو نیاز دارد بیش از حد مشغول هستی، پس خیلی مشغول هستی. یکی از شاگردانی که بسیار دوستش دارم ساعت دو صبح با صدایی شکسته فقط پرسید آیا می توانیم فورا ملاقات کنیم. بدون تردید به مکان تعیین شده دویدم و چند ساعت را به دعا و مشورت گذراندم. این عاقلانه ترین سرمایه گذاری ای بود که تاکنون برای تقویت عشق و تعهدمان انجام داده ام. او می دانست که من او را اولویت می دانم و وقتی دنیایش در حال فروپاشی است، من آنجا هستم تا قطعات را دوباره کنار هم بگذارم. لحظاتی مانند این، اصول حاکم بر رابطه سالم را با جوهر پاک نشدنی بر زندگی شاگردت ثبت می کنند. در سفر اخیرم به ویچیتا، برنامه ام پر از آموزش کارکنان، سخنرانی عمومی و جلسات خصوصی بود. وقتی مدیرمان، آل اورت، و من از یک قرار ملاقات به قرار دیگر رانندگی می کردیم، درباره فهرست بلند سوالات وزارتخانه اش صحبت می کردیم. جلسه نهایی ام طولانی تر از حد انتظار بود و باعث شد پروازم را از دست بدهم. از آنجا که پرواز بعدی چهار ساعت طول کشید، خسته پیشنهاد دادم که یک فنجان قهوه بخوریم. وقتی نشستیم، برخی از فشارها، ضرب الاجل ها و شرایط اضطراری که با آن ها روبرو بودم را به اشتراک گذاشتم. تشویق آل مانند نسیمی خنک در یک روز سوزان تابستانی بود. خیلی زود به رویاها و اهدافم فکر می کردم— اینکه باور داشتم خدا قرار است کارهای بزرگ تری از آنچه انتظار داشتیم انجام دهد. آل دیدگاهم را تأیید کرد و چند فکر الهام بخش که خدا به او داده بود اضافه کرد. زمان به سرعت گذشت. وقتی سوار هواپیما شدم، به سختی باور می کردم چقدر تازه شده ام. چند روز بعد، آل تلفنی به من گفت که برای او زمان ما در کافی شاپ نقطه اوج اقامتم در ویچیتا بوده — و قطعا برای من هم همینطور بوده است. وقت ارزشمند خود را با سفرهای طولانی به تنهایی یا نشستن تنها در فرودگاه هدر نده. شاگردت را دعوت کن که با تو باشد. این ها فرصت های ارزشمندی برای آموزش، رفاقت و تأثیرگذاری مداوم هستند. عیسی «سعی کرد از هرگونه تبلیغات اجتناب کند تا زمان بیشتری را با شاگردانش بگذراند و به آن ها آموزش دهد...» (مرقس ۹:۳۰ پوند مرقس). او

هرگز بیش از حد مشغول نبود، هرگز آنقدر خسته نبود که نیازهای آن ها را برآورده کند.

مرحله ۶: *درخواست های دعای شخصی را به اشتراک بگذارید و سپس هر نفر برای درخواست دیگری دعا کند.*

صفحات ۱۰۴-۱۰۹

منبع: «شکل گیری یک شاگرد» نوشته دکتر کیت فیلیپس. انتشارات توسط شرکت فلمینگ اچ. رول، ۱۹۸۱. شابک ۰-۸۰۷-۱۱۸۱-۵. مقدمه از رابرت ای. کولمن. محتوا (به جز سوالات مطالعه) بدون بازبینی از کتاب گرفته شده است.

20261121 بازنگری شده